

یادداشت

چرا تندرورها در صدد حذف لاریجانی هستند؟



تیسمنماری

کارشناس مسائل سیاسی

خلوص‌سازی قدرت از سوی تندرورها به دلیل توان و مناسباتی در قدرت است که لاریجانی در راس آن قرار دارد و در صورت بازگشت به قدرت می‌تواند موازنه‌سازی کرده و حاکمیت یک‌دست را دوگانه سازد. هدف اول همان گونه که خود لاریجانی اشاره کرده آنها دنبال ایجاد نوعی «قابلیت تصنعی» هستند. اصولگرایی آن‌ها تدرود، در یک شرایط ویژه، قرار دارند. آنها از یک‌سوی نیاز دارند تا توجه به خواست مقام معظم رهبری، مشارکت سیاسی افزایش یابد که خود بهتر از هر کس می‌دانند که حضور اصلاح‌طلبان در وحدت با اصولگرایان میانه‌رو نخستین شرط تحقق این امر است؛ حال که از دو اردوگاه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی میانه‌رو هنوز خبری به گوش نمی‌رسد، آنها تلاش می‌کنند با خبرساز، بر مشکلات کاهشی مشارکت در انتخابات قانع بیایند. از سوی دیگر آنان به‌هیچ‌عنوان تمایلی به حضور مشترک اصلاح‌طلبان با اصولگرایان میانه‌رو ندارند، زیرا احتمال پیروزی آنان در انتخابات پیش‌رو افزایش می‌یابد. از این‌رو از دست دادن مجلس، می‌تواند سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری را نیز روشن کند. در اهمیت مجلس در انتخابات آتی همین بس، که محمدرضا باهنر نیز اخیرا گفته است در این انتخابات انقدر که مسئله مشارکت اهمیت دارد، اینکه چه کسی رای بیاورد، مسئله نیست و به این ترتیب دو راهی بین انتخاب مشارکت گسترده و به معنای دیگر، حضور نیروهای همسو در انتخابات با حذف آنان، تبدیل به یک موضوع سرنوشت‌ساز شده است. هدف دوم اما از اولی مهم‌تر است؛ همان‌طور که لاریجانی هم به‌طور شفاف بیان کرده، آنان دنبال «خالص‌سازی» در هر دو قدرت هستند. اما در چه خلوص را چه امری تعیین می‌کند؟ بر خلاف آن‌چه به‌نظر می‌رسد این خلوص‌سازی با معیارهایی چون میزان انقلابی بودن مشخص نمی‌شود. در واقع جریان اصولگرایی تندرود دیگر تعارفی در رد صلاحیت میانه‌روها در جناح اصولگرایی ندارد. همبستگی آنها تا زمانی ممکن بود که یک رقیب خارجی، آن اتحاد استراتژیک را دارای معنا می‌کرد و اکنون همان روند حذف را در تصفیه درونی با نام خلوص‌سازی دنبال می‌کنند. این در حالی است که خواست رهبری مشارکت گسترده است. کلیدواژه جریان «خالص‌سازی» که لاریجانی از آن به‌عنوان یک امر مذموم یاد کرد، ۱۲ سال پیش مقام رهبری آن‌را توجیه کرده بودند. ایشان در سخنانی در دیدار دانشجویان در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ تأکید می‌فرمایند: «اگر فرض کنید پیشگیری در همان جامعه چند هزار نفری - که کار خالص‌سازی خیلی آسان‌تر بود از یک جامعه هفتاد میلیونی کشور ما - می‌خواست خالص‌سازی کند، چه کاری می‌کرد؟ چی برایش می‌ماند؟ آن‌که یک گناهی کرده، باید می‌رفت؛ آن‌که یک تشری شنفته، باید می‌رفت؛ آن‌که در یک وقتی که نباید از پیغمبر اجازه مرخصی بگیرد، اجازه مرخصی گرفته، باید می‌رفت؛ آنکه زکاتش را یک خرده دیر داده، باید می‌رفت؛ خب، کسی نمی‌ماند، همه جور هم همین‌چو را دارند. این‌چو روی نیست که شما ببینید افراد ضعاف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به بهانه این که می‌خواهیم خالص کنیم.» با همه وضوح چنین موضعی در گذشته، در انتخابات ۱۴۰۰ تندرورها روند خلوص‌سازی را تشدید کردند و اصولگرایی میانه‌رویی چون علی لاریجانی که سابقه چندین دوره ریاست مجلس را داراست، توسط شورای نگهبان حذف شد، هم او که رهبری، صراحتا مظلوم واقع شدند در انتخابات پیشین را گوشزد کردند. با توجه به این سوابق بعید به نظر می‌رسد بتوان این‌بار به مدد نظرات استصوابی لاریجانی را حذف کرد، پس چه باید کرد؟ بهترین راه آن است با مهندسی انتخابات و ایجاد ضضا، شرایط را به گونه‌ای رقم زد که امثال لاریجانی، عطای انتخابات را به لقایش ببخشند. و به این ترتیب مسئولیت مشارکت پایین در انتخابات را از خود سلب می‌کنند. بنابراین تندرورها دل‌نگرانی بابت مشارکت پائین مردم ندارند. آنها می‌خواهند صرفا بودن شان در قدرت را تضمین کنند. کشور در بحران وضعیت اقتصادی به سر می‌برد، شرایطی که حتی زمان جنگ هم تجربه نشده، اما برخی بی‌هیچ احساس مسئولیتی خودروری رانته می‌گیرند و اعتراض به آن‌را گدایازی نام می‌نهند. با این همه آنچه لاریجانی خالص‌سازی نام گذاری می‌کند شاید حاصل تحلیل متقی استناد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه تهران باشد که می‌گوید: «علی لاریجانی در زمره آن گروه از نخبگان سیاسی محسوب می‌شود که برای خود نقش ساختاری قائل است؛ جایگاه علی لاریجانی به مدت ۱۲ سال و نقشی که نامبرده به عنوان رئیس قوه مقننه در ایجاد تعادل، موازنه و همکاری قوای به کار گرفت در ساخت سیاسی ایران نسبتا کمیاب است... علی لاریجانی توانست شکل‌بندی قدرت را در دوران زمامداری خود متوازن سازد، امروز با این پرش‌روهری می‌شود که آیا ساخت اجتماعی ایران از قابلیت لازم برای موازنه برخوردار است یا نه. انگاره تحلیلی علی لاریجانی بر فرآیند و تجربی قرار دارد که در سال‌های گذشته شکل گرفته و نشانه‌هایی از یکپارچه‌سازی در ساخت قدرت ایران را منعکس کرده است.» در نهایت بر اساس تحلیل دکتر متقی می‌توان فهمید چرا تندرورها کماکان در صدد حذف لاریجانی و تمحیص و خلوص قدرت هستند.

محمدسلامتی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

اصلاحات بن بست تئوریک ندارد با بن بست کارشکنی مواجه است

اصلاحات برای چالش‌های موجود برنامه دارد اصلاحات متناسب با امر اصلاحات ارتقا پیدا نکرده است دخالت‌های ناروا اثربخشی نخبگان را از بین برده است

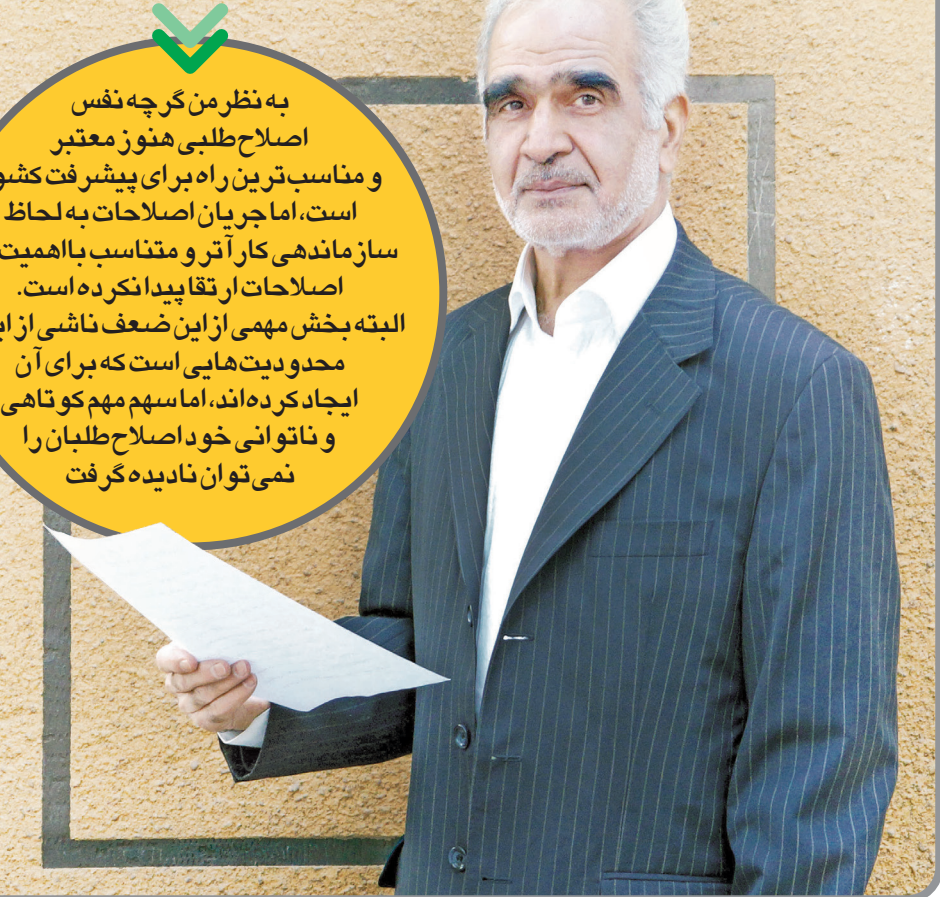
گرفت. یعنی توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی. تقریباً در تمام جوامع این توسعه‌ها لازم و ملزوم هستند. آنها به موازات هم پیش می‌روند. اگر احوالنا پیشرفت یکی از آنها گرفته شود، به دیگر عرصه‌ها هم لطمه وارد می‌شود. اما باید دانست که هیچگاه ممانعت‌ها و درجازدن‌ها قابل دوام نیست. جبر زمانه همه را ناگزیر به انعطاف می‌کند. نخبگان هم در تحلیل مسائل و هم در سازماندهی برای توسعه و رسیدن به دموکراسی نقش درجه اول را دارند. اما متأسفانه نخبگان در ایران برای ایفای نقش خود با چالش‌هایی نظیر محدودیت در تشکل و سازماندهی (تشکیل احزاب و گروه‌ها و تشکل‌های صنفی که بدون محدودیت‌هایی بی مورد فعالیت کنند) مواجه می‌شوند. دخالت‌های ناروا در کار نخبگان اثربخشی مفید زحمات آنها را در عرصه اجتماعی واحدی از بین برده است.

نخبگان ایرانی با چالش‌های درونی مواجه هستند یا بیرونی؟ چرا؟
نخبگان معمولاً باید اکثر عرصه‌های اجتماعی را در اختیار داشته باشند، تا رشد و اعتدالی آن عرصه‌ها تضمین شود. عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فن آوری و غیره. البته لازمه مؤثر بودن آنها وجود حداقل امکانات و حمایت از سوی دولتمردان است. اما متأسفانه اکنون این شرایط فراهم نیست. حتی اگر در مواردی حداقل امکانات هم فراهم باشد، به دلیل ضعف مدیریت، امکان حمایت از آنها وجود ندارد. روند مهاجرت نخبگان ناشی از این وضع است. جذب نخبگان ایرانی توسط کشورهای دیگر نیز ناشی از اهمیت دادن به کار آنهاست. بنابراین مشکل نخبگان یک مشکل داخلی و مربوط به ناتوانی در درک درست از توانایی آنها توسط برخی مدیران است.

چرا گفتمان اصلاحات برای چالش‌های موجود جامعه برنامه ندارد؟ اگر دارد چه برنامه‌های اجرا می‌شود؟
در درون گفتمان اصلاحات به دلیل ویژگی ذاتی آن، برنامه همه جانبه و به روز در زمینه‌های مختلف وجود دارد. اما هیچ‌قدرت جناح اصلاح‌طلب بدون محدودیت برای پیاده کردن آنها، قدرت را در اختیار نداشته است. البته ممکن است برنامه‌های اصلاح طلبان بر اساس معیارهای غربی یعنی نظام سرمایه‌داری و الزامات آن تلقی شود. گرچه این تلقی را به‌طور صد درصد نمی‌توان رد کرد، اما اصلاح‌طلبان عدداً در برنامه‌های پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی، توانستند دیدگاه‌های اصلاحی خود را که خارج از چارچوب نظام سرمایه‌داری است، به تصویب برسانند. البته این دیدگاه‌ها با آنچه برخی اصولگرایان فکر می‌کنند کاملاً متفاوت است.

آیا گفتمان اصلاحات بار کود و بن بست تئوریک برای انطباق با وضعیت موجود مواجه شده است؟
به نظر من گفتمان اصلاحات با بن بست تئوریک مواجه نشده بلکه با بن بست مقلبه و کارشکنی مواجه شده است. به عبارت دیگر جناح مقابل که اکثر محورهای قدرت را در اختیار دارد، اجازه مانور قابل قبول به گفتمان اصلاحات را نمی‌دهد.
در یک نقد آسیب شناسانه مهم‌ترین نقاط ضعف جریان اصلاحات را چه می‌دانید؟
به نظر من گرچه نفس اصلاح‌طلبی هنوز معتبر و مناسب‌ترین راه برای پیشرفت کشور است، اما جریان اصلاحات به لحاظ سازماندهی کار آتر و متناسب با اهمیت امر اهمیت آن تقابلاً پیدا نکرده است. البته بخش مهمی از این ضعف ناشی از ایجاد محدودیت‌هایی است که برای آن ایجاد کرده‌اند. اما سهم مهم کوتاهی و ناتوانی خود اصلاح‌طلبان را نمی‌توان نادیده گرفت.
جریان اصلاحات برای نسل جدید چه کرده است؟
چرا نسل جدید از گفتمان اصلاحات فاصله گرفته و به دنبال رویکردهای جدیدی است؟
گرچه اصلاحات فی نفسه راه کم هزینه و مترقی‌ای به حساب می‌آید، ولی وقتی جلوعال آن گرفته شود، کسانی که مستقیم و یا غیر مستقیم مطالبات‌شان از این طریق تأمین نشود، به‌رغم اعتقاد به این راه آن را بی‌فایده دیده و راه دیگری که ممکن است حتی به نفع خودشان و کشور هم نباشد، در پیش بگیرند. لذا به نظر من فاصله گرفتن نسل جدید از گفتمان اصلاحات نه به دلیل ضعف آن، بلکه به دلیل پیش‌بینی ایجاد بن بست برای اجرای آن است. حکومت‌های مردم‌گرا معمولاً برای جلوگیری از هدررفت ظرفیت جوانان، به سازمان‌ها و تشکل‌های مورد نیاز آنها کمک می‌کنند تا جوانان جذب آنها شوند.

جامعه ایران از نظر مولفه‌های توسعه و دموکراسی امروز در چه نقطه‌ای قرار دارد؟ مهم‌ترین چالش‌های موجود چیست؟
وقتی صحبت از دموکراسی می‌شود، بلافاصله موضوع امکان مشارکت مردم در سرنوشت‌شان در ذهن تداعی می‌شود. مؤلفه‌های این مشارکت: آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی فعالیت احزاب و گروه‌ها و بالاخره انتخابات رقابتی است. در کشور مردم در برخی از این زمینه‌ها با مشکل مواجه‌اند. مهم‌ترین چالش در این خصوص طرز تفکری است که بر اثر کان مختلف مربوط به تصمیم گیری در موارد فوق حاکم است. این طرز تفکر با توسعه سیاسی که از شاخص‌های پیشرفت است زاویه دارد.
آیا عقلائیات کافی برای عبور از چالش‌ها در مدیریت دولت مشاهده می‌کنید؟ آیا چالش‌های موجود توسط دولت به واقع درک شده است؟
متأسفانه در شرایط فعلی به دلیل طرز تفکر حاکم بر برخی دولتمردان و ضعف برخی مدیریت‌ها چالش‌های موجود توسط آن‌ها به راحتی قابل رفع نیستند و چه بسا این چالش‌ها تشدید شوند؛ همان‌طور که شاهدیم بعضاً چنین مسیری را دارند طی می‌کنند. به نظر می‌رسد برخی از این چالش‌ها مثل موضوع برنامه هم که توسط دولتمردان بعد از مدت‌ها اهمیت حل آن درک می‌شود، اما توان حل آن را ندارند.
در شرایط کنونی اقتصاد و مسائل بین‌المللی مهم‌ترین دغدغه مردم و مسئولان کشور است. برای عبور از چالش‌ها در این دو زمینه چه رویکردی باید در پیش گرفت؟
شعاری که دولت سیزدهم در اوایل شروع به کار خود داد این بود که برای حل مسائل اقتصادی به جای نگاه به بیرون باید نگاه به درون داشت و از امکانات داخلی بهره گرفت. اما متأسفانه دولت نتوانست آنطور که باید و شاید از ظرفیت‌های داخلی به نحو مطلوب استفاده کند، و ماحصل آن وضع مبذافتصادی و سیر مهاجرت‌های کنونی شد. من هم قبول دارم که باید به ظرفیت‌های موجود در داخل بها و اولویت داد، اما لازمه شکوفایی اقتصاد در عصر حاضر گسترش مرادوات بین‌المللی است. لذا حل مسائل بین‌المللی باید به‌طور ویژه در دستور کار قرار گیرد. البته لازمه این کار اعتقاد و خلاقیت است.
برای توسعه و رسیدن به دموکراسی نخبگان نقش مهمی دارند. مهم‌ترین چالش‌های نخبگان را در جامعه ایران در پرونده توسعه چه می‌دانید؟ آیا نخبگان بار توسعه را به دوش گرفته‌اند؟
به نظر می‌رسد در این جابابید مفهوم توسعه را گسترده در نظر



به نظر من گر چه نفس اصلاح طلبی هنوز معتبر و مناسب ترین راه برای پیشرفت کشور است، اما جریان اصلاحات به لحاظ سازماندهی کار آتر و متناسب با اهمیت امر اصلاحات ارتقا پیدا نکرده است. البته بخش مهمی از این ضعف ناشی از ایجاد محدودیت های برای آن ایجاد کرده اند، اما سهم مهم کوتاهی و ناتوانی خود اصلاح طلبان را نمی توان نادیده گرفت

حجت الاسلام احمد مازنی:

اصلاح طلبان همواره برای مشارکت حداکثری تلاش کردند

یک نماینده مجلس دهم درباره فعال شدن اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس گفت: اصلاح‌طلبان تا جایی که اطلاع دارم فعلاً احزاب و تشکل‌های اصلاح طلب و جبهه اصلاحات ورود به بحث انتخابات نکردند. در موضوع فعال شدن اصلاح‌طلبان، توپ در زمین حاکمیت است، معتقدم حاکمیت نباید مسأله را در سطح یک نهاد و وزارتخانه واگذار کند، به این شکل که قرار است برای برگزاری انتخابات مثل روال گذشته عمل شود. حجت‌الاسلام احمد مازنی با بیان اینکه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی این راهبردهای رهبر معظم انقلاب برای برگزاری انتخابات با مشارکت بالا را رصد و اجرای آنها را پیگیری کند، افزود: هم اکنون اصلاحات برخلاف دو جریان برانداز معتقد است که آنچه منافع ملی را تأمین می‌کند و به مصلحت انقلاب

مشارکت بالا را به اجرا در آورند. از پالس‌هایی که شورای نگهبان و وزارت کشور به جامعه داده می‌دهند، اصلاح طلبان متوجه می‌شوند که قرار است انتخابات رقابتی و با مشارکت بالا برگزار شود یا خیر فقط برای آنکه تئور انتخابات داغ شود می‌خواهند از ظرفیت اصلاح‌طلبان نیز استفاده کنند. نماینده ادوار مجلس گفت: امیدواریم دستگاه‌های برگزارکننده انتخابات پالس‌های روشنی به جامعه بدهند تا بستر برای مشارکت بالای مردم در انتخابات فراهم شود. اگر قرار به مشارکت و رقابت باشد و زمینه فراهم شود که مردم به جای خیابان، صندوق رای را برای بیان نظرات‌شان انتخاب کنند، الان دیر هم است. مازنی تصریح کرد: اصلاح‌طلبان همیشه تلاش داشتند که زمینه مشارکت را برای مردم فراهم کنند، حتی وقتی کاندیدا هم نداشتند از مردم برای حضور پای صندوق‌های رای دعوت می‌کردند اما مردم بر اساس واقعیات عمل می‌کنند، نه توصیه‌های جریانات سیاسی.



آخرین تلاش‌ها برای احیای برجام؟

پس از سفر سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به عمان، شخص اول این کشور قرار است در روزهای آتی سفری به تهران داشته باشد و با مقامات جمهوری اسلامی دیدار کند. با توجه به نقش میانجی‌گرانه عمان در سال‌های گذشته، گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که این سفر صرفاً با هدف مذاکره درباره ارتباطات دو جانبه صورت نمی‌گیرد و احتمالاً مسائلی دیگر در میان باشد. هم‌زمان با اطلاع‌رسانی هیثم بن طارق، سلطان عمان مبنی بر سفر به ایران در آینده نزدیک، گمانه‌زنی‌ها پیرامون پیام و سوغات این سفر برای گره‌گشایی از پرونده برجام افزایش پیدا کرده است. اینکه در سفر احتمالی سلطان عمان به ایران چه پیامی قرار است ردوبدل شود؟ آیا این سفر واپسین گام برای نجات برجام از تعلیق خواهد بود؟

سفری با پیام‌های سه‌گانه

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در رابطه با اهداف و ابعاد سفر احتمالی هیثم بن طارق به ایران این گونه گفت: «واقعیات این است که ایران چند سال پیش طرح صلح هم‌زمر را ارائه داد که کشورهای ایران، عراق و شش کشور شورای همکاری خلیج فارس را تحت پوشش قرار می‌داد. بزرگ‌ترین مانع این احتمالی منطقه‌ای، فخر ایران و عربستان به عنوان پایه‌های منطقه بود. اما اخیراً با توجه به صلح کشورهای دروازه‌های شمال خلیج فارس و عربستان با میانجیگری چین، انتظار می‌رود که گام‌هایی به سوی امنیت و صلح در منطقه برداشته شود. سفر پادشاه عمان نیز به ایران در همین راستا خواهد بود. این سفر به معنای پایان همه مشکلات نیست، اما گام مهمی در این راستاست. حسن بهشتی پور درباره اینکه این سفر بتواند پیش نهاد و مسأله توافق ایران و آمریکا را پیش‌برد اظهار کرد: «بیشتر یک نمایش رسانه‌ای است، اما می‌تواند یکی از پیام‌های این سفر همین موضوع باشد. با توجه به نقش سال‌های اخیر عمان در منطقه این موضوع دور از ذهن نیست که بحث پیرامون این توافق در دستور کار قرار بگیرد. این کارشناس مسائل سیاست خارجی در ادامه اظهار کرد: اگر آمریکا در زمان دونالد ترامپ از توافق برجام خارج نمی‌شد خیلی پیش‌تر بسیاری از مسائل حل می‌شدند و نیازی به میانجیگری دولت سومی نبود، اما حالا نیت دولت بایندی می‌تواند از اختیاراتش استفاده کند و به توافق برسد. بهشتی پور همچنین اظهار نظر مشاور امنیتی آمریکا، جیک سالیوان، درباره توافق بلندمدت ایران و آمریکا ابراز رضایت کرد و عنوان کرد: این می‌تواند جمله خوبی باشد که بالاخره پس از سخنان تندشان علیه ایران اکنون به توافق فکر کنند و عمان شاید بتواند حامل پیام مهمی در این زمینه باشد. البته آمریکا اگر واقعا دنبال توافق با ایران است، باید نشان بدهد که در عمل به دنبال یک رابطه خوب با ایران است. مثلاً تحریم‌های نفتی را بر بردارد و گام مؤثری را برای این هدف بردارد، اما آنچه را که ما می‌بینیم تنها حرف است و کار خاصی از آمریکا ندیده‌ام که نشان از میل به توافق باشد. این استاد دانشگاه در ادامه تصریح کرد: این سفر می‌تواند پیام‌های سه‌گانه‌ای داشته باشد که اولین مسأله ارتباطات دو جانبه میان دو کشور است. دومین مسأله درباره امنیت و صلح منطقه خواهد بود و حتماً یکی از محورهای مهم این سفر خواهد بود. احتمالاً درباره ۶+۲ سخن خواهند گفت و سعی در برقراری صلح میان شورای خلیج فارس خواهند داشت. سومین موضوع هم درباره میانجیگری میان ایران و آمریکا خواهد بود که با توجه به سابقه عمان در این امر و تلاش‌های یک دهه گذشته‌اش در پیشبرد برجام، می‌توان به این مسأله نیز امیدوار بود.

گره بزرگ تر است

یک دیپلمات سابق نیز در ارتباط با ابعاد و اهداف احتمالی سفر پادشاه عمان به ایران گفت: عمان از گذشته تا زمان حال، همیشه سعی کرده نقش میانجی میان ایران و غرب را ایفا کند و تا این جا این کار را به خوبی انجام داده است. سید جلال ساداتیان افزود: در حال حاضر ایران که از به نتیجه رسیدن برجام صرف نظر کرده در حال پیش‌برد برنامه‌هایی جهت توافق منطقه‌ای است و سعی دارد از این راه برای برون‌رفت از مسائل و مشکلاتش چاره‌ای بیابد؛ لذا ارتباط‌گیری با همسایگان در منطقه می‌تواند در راستای همین چارچوب، دنبال می‌شود. رفتن افراد نظامی هم به عمان جهت رابرتی احتمالاً با هدف میانجی‌گری عمان میان ایران و غرب بوده که سعی کنند موانع سر راه را بردارند. ساداتیان در رابطه با ارتباط مستقیم این سفر با آینده برجام اظهار داشت: اگر نتوانیم بگوییم که دیگر هیچ‌امیدی به برجام نیست و کاملاً پرونده‌اش بسته شده، می‌توانیم بگوییم که برجام آینده‌ای کاملاً نامعلوم و غیرواضح دارد. به همین روی نمی‌توان زیاد به این موضوع پرداخت. موضوعی که به نظر می‌رسد این است که آمریکا قصد دارد به صورت نیابتی اهدافش در ایران را پیاده‌سازی کرده و به شیوه نیابتی ایران را مهار کند.